جناب میرزا یوسف علیه بهآء اللّه من

بسمی الّذی به ماج بحر البیان فی الامکان

الحمد للّه از دریای عنایت الهی آشامیدی و بافق اعلی توجّه نمودی جمیع احزاب مختلفهٔ ارض منتظر و چون آفتاب حقیقت از افق عالم طالع کل معرض الّا من شآء اللّه اگر الیوم مقامات نفوس موقنه ذکر شود بیم آنست از فرط سرور بعضی هلاک شوند نقطهٔ بیان میفرماید نطفهٔ یکسالهٔ یوم ظهور او اقوی است از کلّ من فی البیان و همچنین میفرماید و قد کتبت جوهرة فی ذکره و هو انّه لا یشار باشارتی و لا بما نزّل فی البیان اگر نفسی در بحور مستورهٔ در این کلمهٔ علیا تفکّر نماید فی‌الجمله بر مقام این امر اعظم اقدس اعلی آگاه شود مقام ظهور که معلوم شد مقام طائفین معلوم و واضح است لعمر اللّه نفسی که از نفسی در این امر برآید معادله نمینماید باو کنوز ارض طوبی لمن فاز ویل للغافلین للّه الحمد آن جناب باین مقام فائز شدند انشآءاللّه بر حفظش مؤیّدند مکتوب آن جناب را عبد حاضر قرائت نمود طوبی لک بما اعترفت بما اعترف به اللّه و بما کان مسطوراً فی کتبه و زبره و الواحه اینکه در اجتماع نفوس ذکر نمودید انّا نذکر کلّ واحد منهم فضلاً من لدنّا انّه لهو الفضّال الکریم

هو الأقدم الأعظم

یا ابن اسمی یشهد قلمی الأعلی بأنّک هاجرت فی اللّه الی ان حضرت لدی الباب و سمعت ندائه الأحلی و شربت رحیق عنایته منقطعاً عن الوری و درت البلاد لاعلآء کلمته العلیا و ارتفاع ذکره بین ملإ الانشآء طوبی لک و لمن سمع قولک فی هذا الأمر الّذی اذا ظهر تزعزع بنیان الّذین کفروا باللّه مالک الغیب و الشّهود

هو الظّاهر الباطن

یا اسد یذکرک المظلوم الّذی ظهر باسمه القیّوم و دعا الکلّ الی الأفق الأعلی المقام الّذی منه اشرقت انوار الوجه بعد فنآء الأشیآء اشهد انّک فزت بما لا فاز به اکثر العباد قد سافرت فی سبیلی و نصرت امری و اخترت الغربة حبّاً لجمالی و شوقاً لاعلآء کلمتی نشهد انّک تحت لحاظ عنایة مولی الأنام و تحرسک عین اللّه الّتی لا تنام

بسمی العلیم الخبیر

یا حبیب ذکرناک من قبل و نذکرک فی هذا الحین لیأخذک جذب آیات ربّک علی شان لا تمنعک شؤونات العالم و لا حجبات الأمم طوبی لک و لبیت ارتفع فیه ذکری و اجتمع فیه اصفیائی الّذین اقبلوا الی افقی و نطقوا بثنائی و قاموا علی خدمة امری العزیز البدیع

هو الشّاهد الباقی العلیم

یا حسن یذکرک مولی السّرّ و العلن و یوصیک بما یرتفع به امر اللّه بین عباده و خلقه تمسّک بما امرت به و قل

یا الهی اسألک بأنوار وجهک و آیات عظمتک بأن تؤیّدنی فی کلّ الأحوال علی ذکرک و ثنائک و خدمة اولیائک انّک انت المقتدر القدیر

هو النّاطق فی ملکوت البیان

کر یذکرک مولی الوری بما یقوم به الأموات بدوام الملک و ییشّرک بما رقم لک من قلم الارادة ما تقرّ به عیون اهل ملکوت الأسمآء و یأمرک بما ینبغی لهذا الیوم الّذی کان مذکوراً فی افئدة الأصفیآء و مسطوراً فی کتب اللّه مالک الرّقاب

بسمی النّاطق الحکیم

یا نصراللّه لعمری من عرفنی قد نصر اللّه فی ازل الآزال و هذا حقّ النّصر یشهد بذلک لسان العظمة و عن ورائه حقائق الأشیآء کلّها ولکنّ النّاس اکثرهم فی حجاب عظیم

الحمد للّه نفوس مقبلهٔ موقنهٔ راضیه که در کتاب ذکر شده بود هر یک محلّ عنایت مخصوصه واقع شدند ان اشکر اللّه بهذا الفضل المبین و قل

سبحانک یا الهی و اله الأشیآء و محبوبی و محبوب افئدة الأصفیآء اسألک بالأکباد الّتی ذابت فی عشقک و حبّک و الأفئدة الّتی احترقت فی فراقک بأن تقدّر لی ما ینفعنی فی کلّ عالم من عوالمک ای ربّ ترانی مقبلاً الیک و متمسّکاً بحبل فضلک اسألک ان لا تخیّبنی عن بدائع جودک و ظهورات فضلک انّک انت الّذی خضعت لاسمک اعناق المقرّبین و خشعت اصوات الموحّدین لا اله الّا انت محبوب العارفین و مقصود من فی السّموات و الأرضین

این سند از کتابخانهٔ مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۶ آوریل ۲۰۲۴، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر